





«پیام ما» تأثیر آتش سوزی‌های در آستانه فصل بهار را بر جفت‌یابی وزادآوری پرندگان بررسی می‌کند

# تکرار فاجعه در نيزار پرنده

**وقتی زیستگاهی در آتش می‌سوزد، پرنده‌های مهاجر ناچار می‌شوند زیستگاه‌های دیگری را انتخاب کنند که شاید با نیازهای زیستی آنها سازگاری نداشته باشد**



محسن ملاح (راهنما)



اکامیاب فکور ا

ا روزنامه‌نگار ا

ظهر یکشنبه، سوم اسفندماه، آرامش شهر پرنده با مناظری وهم‌انگیز شکسته شد. ستون‌های غلیظی از دود سیاه از افق جنوبی شهر سر برآوردند و برای دقایقی آسمان آبی را در محاق خود فرو بردند. وحشت اولیه ساکنان که تصور می‌کردند حادثه‌ای بزرگ در یکی از واحدهای صنعتی رخ داده، با اعلام آتش‌نشانی محلی جای خود را به نگرانی از افتادن آتش بر جان محیط‌زیست و به‌طور خاص زیستگاه پرندگان داد؛ آتش نيزارهای حاشیه رود شور را گرفته بود.

در همان روز «وحید جودی‌کی»، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی پرنده، که به‌همراه نیروهایش در محل حادثه حضور یافته بود، در تشریح عملیات اطفاء در گفت‌وگو با ایرنا گفت: «این نيزار در جنوب شهر پرنده است و هر ساله حریق در این نيزار را شاهد هستیم، اما این بار تعدد کانون‌های آتش را داریم.»

این زیستگاه نيزاري به‌ظاهر ساده، میزبان بیش از صد گونه پرنده است؛ از جمله اردک سرسبز اردک نوک‌په‌ن، خوتکای معمولی، حواصیل خاکستری، سنقر تالایی، عقاب شاهی، دلجبه معمولی، زنبورخوار اروپایی، سبزقبا،

چلچله رودخانه‌ای، تلیله کوچک، چکاوک آسمانی، سسک چنبار، سسک گلوسفید کوچک، زردپره سرسیاه، سهره سبز سهره طلایی، چرخ‌ریسک و بسیاری دیگر. همین تنوع‌زیستی، حساسیت را نسبت به وقوع آتش‌سوزی در این منطقه افزایش می‌دهد. آتش‌سوزی در آستانه فصل بهار، که زمان جفت‌یابی و زادآوری بسیاری از پرندگان است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. این حریق‌ها در سال‌های گذشته نیز در این منطقه تکرار شده‌اند. ماه گذشته، آتش به این نيزار سرایت کرد و بخش گسترده‌ای از پوشش گیاهی آن را از بین برد. نمونه دیگر به اسفند ۱۴۰۱ بازمی‌گردد، زمانی‌که نيزار «رود شور» به‌عنوان تنها زیستگاه طبیعی برخی از پرندگان دچار حریق شد و شمار زیادی از پرندگان و جانورانی که در آن لانه داشتند، دچار آسیب و مرگ شدند. همچنین، گزارش‌ها از آتش‌سوزی عمدی در دی‌ماه سال ۱۳۹۹ نیز حکایت دارد.

**احتمال حریق از سوی شکارچیان صفر است**
«حریق در نيزار پرنده هر چند وقت یک بار رخ می‌دهد و

حریق که به جان نيزارها می‌افتد، لانه‌هایی می‌سوزد که پرنده‌ها ماه‌ها برای ساختنشان از آفریقا پرواز کرده‌اند؛ قلمروهایی که نسل‌ها در آن زادوولد داشته‌اند و امنیتی که شاید سال‌ها طول بکشد تا دوباره به این مکان بازگردند. سوم اسفندماه، برای چندمین بار در سال‌های اخیر، نيزارهای حاشیه رود شور در جنوب پرنده آتش گرفت. تکرار این آتش‌سوزی‌ها در آستانه بهار، زنگ خطری است برای یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های پرندگان مهاجر در استان تهران.

بار اول هم نیست. گفته شد احتمال این هست که آتش توسط شکارچیان به نيزار افتاده باشد. به نظر من، احتمال اینکه شکارچی عامل آن باشد، تقریباً صفر است. من پرندگان این منطقه را پایش می‌کنم و هر چند وقت یک بار در این منطقه پرنده‌نگری می‌کنم. این منطقه جایی نیست که برای شکار کردن پرندگان، نیاز باشد نيزارش را آتش بزنی. اما ممکن است این اتفاق از طرف افراد دیگری باشد؛ مثلاً کسانی که آن اطراف بی‌خانمان هستند. یا شاید اهم اشخاص دیگر با اهداف دیگر». این را «محسن ملاح»، پرنده‌نگر و دانشجوی کارشناسی ارشد تنوع‌زیستی، به «پیام ما» می‌گوید. ملاح اضافه می‌کند: «بیشترین جمعیت پرنده‌ای که آنجا دیده می‌شود، سسک‌ها هستند که از مسیرهای طولانی مثل هند و آفریقا به ایران می‌آیند. اما جز سسک‌ها که جمعیت زادآور بزرگی در نيزار رود شور پرنده دارند، گونه‌های دیگری مثل سرچشم‌ها، چک‌چک‌ها و چک‌ها را داریم. جمعیت بزرگی از چنگرها به اینجا می‌آیند. یلوه خالدار، یلوه آبی، بوتیمارها و بیش از صد گونه پرنده در این زیستگاه دیده شده است.

**آوازی در بهار**

ملاح با اشاره به تأثیر مخرب آتش‌سوزی بر این زیستگاه می‌گوید: «این روزها در آستانه فصلی مهم برای پرندگان، یعنی فصل بازگشت پرندگان مهاجر به ایران، قرار داریم. پرندگانی که از راه‌های دور، گاه از هندوستان و حتی آفریقا، بال‌های خود را برای جفت‌یابی، لانه‌گزینی و تعیین قلمرو به‌سوی این نيزارها گشوده‌اند. اما اکنون، به‌جای استقبال از بهار، با دود و خاکستر مواجه می‌شوند. وقتی زیستگاهی که نسل‌ها مقصد این سفر پرمخاطره بوده است، در آتش می‌سوزد، پرنده‌های مهاجر بهاری که تازه می‌رسند، سرگردان می‌شوند. آنها ناچارند زیستگاه‌های دیگری را برگزینند؛ مناطقی که شاید با نیازهای زیستی، تغذیه و امنیت آنها سازگاری نداشته باشد.»

او ادامه می‌دهد: «این جابه‌جایی اجباری، آسیب‌پذیری آنها را چندبرابر می‌کند. از یک‌سو، در زیستگاه‌های ناآشنا و بدون پوشش کافی، نمایان‌تر و طعمه‌ای آسان برای شکارچیان هستند. از سوی دیگر، انرژی و زمان ارزشمندی را که باید صرف لانه‌سازی، جفت‌یابی و پرورش جوجه‌ها کنند، در جست‌وجوی سرپناهی تازه از دست می‌دهند. آنها قلمرویی را که سال‌ها با آن خو گرفته بودند، در دود و آتش گم می‌کنند.»

**خانه خرابی پرندگان**

در فضای مجازی، شایعه‌ای پیچید؛ این آتش، زبانه‌کشیده از تهدیدات جنگی هفته‌های اخیر است. هرچند نه نهادی آن را تأیید کرد و نه پیشینه تکرار این حادثه در سال‌های گذشته، مجال چنین گمانی را می‌داد، اما این شائبه خود تصویری تکان‌دهنده پیش چشم‌ها نشاند؛ اینکه آتش جنگ، تنها خانه انسان‌ها را خاکستر نمی‌کند، بلکه کاشانه هزاران موجود بی‌زبان را نیز در کام خود فرو می‌برد. محسن ملاح با اشاره به تأثیر جنگ بر حیات‌وحش و پرندگان می‌گوید: «یکی از نکات مهمی که درباره جنگ وجود دارد، این است که امنیت حیات‌وحش از بین می‌رود. پرنده‌ها خیلی حساس هستند؛ مخصوصاً به صداها. صداهایی که تولید می‌شود، باعث می‌شود پرنده بترسد و قلمروش از بین برود و احساس امنیت نکند.» او در ادامه می‌گوید: «نکته بعدی این است که در این میان وقتی توجه‌ها به‌سمت موضوع جنگ جلب می‌شود، نگاه از روی محیط‌زیست و حیات‌وحش برمی‌گردد. درنتیجه، دست کسانی که منتظر فرصت هستند، برای سوءاستفاده، شکار و تخریب محیط‌زیست باز می‌شود. درباره پرنده‌ها نیز همین‌طور است. تالاب‌ها و زیستگاه‌های پرندگان تحت‌تأثیر انفجارها و وضعیت جنگی قرار می‌گیرند و از طرفی شکارچیان با فرصت بیشتر و نظارت کمتری می‌توانند بیابند و پرنده‌ها را شکار و صید کنند؛ بدون حساسیتی که در گذشته روی آنها بود.»

تکرار این آتش‌سوزی در سال‌های متوالی، از یک الگوی نگران‌کننده حکایت می‌کند؛ بی‌توجهی به زیستگاه‌هایی که نقشی کلیدی در معادلات اکولوژیک ایفا می‌کنند. مهاجرت سالانه صداها پرنده از مسیرهای دور تا این نيزارها، اهمیت این پناهگاه کوچک را به سطحی فرامرزنی می‌رساند. نيزار رود شور آزمایشگاهی زنده از تنوع‌زیستی و زیستگاهی راهبردی برای گونه‌هایی است که هر یک در زنجیره حیات نقشی بی‌بدیل دارند. آتش‌سوزی‌های مکرر نه‌فقط پوشش گیاهی، که این شبکه پیچیده و به‌سختی قابل بازسازی را هدف می‌گیرد.

## تدوین سند مشارکت مردمی در سازمان محیط‌زیست

ظعاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست از تدوین سند مشارکت مردمی، پیگیری اختصاص بودجه برای همکاری پروژه‌محور با انجمن‌های مردم‌نهاد و ایجاد مرکز آموزش تخصصی هیرکانی در چالوس خبر داد و بر ضرورت شفافیت اطلاعات و تفکیک وظایف با سازمان منابع‌طبیعی تأکید کرد. «سازمان حفاظت محیط‌زیست با وجود آنکه جزو بدنه دولت است، ساختاری قانونی دارد که باید دغدغه‌ها را منتقل کند.» او با اشاره به وجود برخی اشکالات در ارتباط با تشکل‌ها افزود:

«در حال تهیه سند مشارکت مردمی و ساماندهی سازوکار ارتباط با تشکل‌ها هستیم.»

او با بیان اینکه در برنامه هفتم توسعه نیز پیش‌بینی شده است یک درصد از هزینه‌های جاری شرکت‌ها صرف تشکل‌ها شود، گفت: «پیگیریم با همکاری سازمان برنامه‌ویودجه، اعتباری برای همکاری پروژه‌محور با انجمن‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته شود؛ چراکه یکی از ایرادات گذشته، پروژه‌محور نبودن تعامل با انجمن‌ها و ضعف در ارزیابی‌ها بوده است.» کیادلیبری با اشاره به برخی آسیب‌ها در حوزه تشکل‌ها اضافه کرد: «نبود اطلاعات شفاف می‌تواند زمینه‌ساز شایعه‌سازی شود و تشکل‌ها را به مصرف رسانه‌ای بکشاند.»

## ۳

ا | خبر ا

## تهران شدیدترین خشکسالی را دارد

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی گفت: «طی سال آبی جاری (اول مهر تا پایان شهریور سال بعد) کمترین بارش‌ها در البرز، قزوین و تهران ثبت شد. در این شرایط بارش برف به‌شدت نابهنجار بوده و خشکسالی برفی حاکم است. درنتیجه، نمی‌توانیم امیدوار باشیم با گرم شدن هوا، برف‌ها ذوب شوند و سدها را پر کنند.»

«ا‌حد وظیفه» افزود: «متأسفانه بارندگی‌ها در دامنه جنوبی البرز به‌شدت زیر نرمال است، به‌خصوص استان تهران که بارندگی آن حتی از سال گذشته هم کمتر است، این درحالی‌است که سال گذشته یکی از کم‌بارش‌ترین دوره‌های این منطقه بود و امسال نسبت به سال قبل هم وضعیت بدتری دارد.»

او با بیان اینکه این کم‌بارشی دلایل زیادی دارد، گفت: «یکی از دلایل آن تغییراقلیم و دلیل دیگر نوسان‌های سالانه است. علاوه‌برآن، آلودگی هوا و افزایش بسیار زیاد میزان ذرات معلق می‌تواند بر کم‌بارشی دامنه‌های جنوبی البرز تأثیر بگذارد؛ چون آورده‌ترین شهرها مانند اراک، تهران، کرج و قزوین در دامنه جنوبی البرز قرار دارند.»

وظیفه تأکید کرد: «متأسفانه گرمایش جهانی باعث تغییر الگوهای جوی شده و شرایط را به‌گونه‌ای عوض کرده است که روند کلی بارندگی‌ها کمتر از معمول شده است. ولی تا حد زیادی علت کاهش شدید بارش تهران مربوط به الگوهای بزرگ‌مقیاس جوی یا دور پیوندهاست چون هم دامنه‌های جنوبی البرز و هم دامنه‌های شمالی البرز نسبت به نرمال، بارش کمتری دریافت کرده‌اند.»

او در پاسخ به این پرسش که کدامیک از دورپیوندها بیشتر بر کم‌بارشی مؤثر بوده‌اند؟ گفت: «این کم‌بارشی به‌احتمال زیاد از فعالیت دورپیوندهای نوسان اطلس شمالی و نوسان قطبی نشئت گرفته است. گذر سامانه‌های جوی تحت‌تأثیر شاخص‌های دورپیوندی مثل ناؤ و ۸0 یا همان نوسان قطبی است و این شاخص‌ها هم در کم‌بارشی تهران مؤثرند.»

وظیفه با اشاره به وجود نگرانی‌هایی در زمینه تأمین آب شرب تهران و کرج بیان کرد: «بیشتر سدهای تأمین‌کننده آب این دو شهر خالی هستند. در حال حاضر، آب رودخانه به‌طور مستقیم برای تأمین آب تهران مصرف می‌شود و نمی‌تواند پشت سد جمع شود. اغلب سدهای تهران به حجم مرده رسیده است و حتی سد طالقان هم خیلی وضعیت مناسبی ندارد.» رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی تأکید کرد: «در این شرایط سختگیرانه‌ترین روش مدیریتی در حوزه آب برای تهران و البرز باید در دستورکار قرارگیرد. غیر از همکاری همگانی هیچ راه‌حل مطمئنی برای غلبه بر این وضعیت ناخوش آبی نیست.»

او درباره تأثیر ذخیره برفی بر تأمین نیاز آبی پایتخت گفت: «طی سال آبی جاری (اول مهر تا پایان شهریور سال بعد) کمترین بارش‌ها در البرز، قزوین و تهران ثبت شد. در این شرایط بارش برف به‌شدت نابهنجار بوده و خشکسالی برفی حاکم است. درنتیجه، ذخیره برفی بالادست اصلاً وضعیت خوبی ندارد تا امیدوار باشیم با گرم‌شدن هوا، برف‌ها ذوب شوند و سدها را پر کنند. این درحالی‌است که پوشش برف در زاگرس، خیلی خوب است، به‌خصوص در استان‌های آذربایجان‌شرقی و آذربایجان‌غربی چون شرایط نابهنجاری منفی دما و شرایط نرمال را کم‌وبیش داشتیم، درنتیجه پوشش برف خوب است.» وظیفه اضافه کرد کرد: «تهران شدیدترین خشکسالی را دارد. وضعیت آبی استان‌های مجاور آن مانند البرز، قزوین حتی زنجان تا حدی همدان و مرکزی و قم هم بسیار نامطلوب است. ایپنا

### آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین خودرو سواری پراید ج ای ایکس آی مدل ۱۳۸۵ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره موتور ۱۳۷۴۱۶۰۳۷۴۱۶ به شماره شاسی ۰۷۲۶۸۰۷۲۶۸۰۷S۱۴۱۲۲۸۴۷۲۶۸۰۷ به شماره پلاک ق ۷۸۲ ایران ۶۵ به نام مراد غلامشاهی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

• رودبار جنوب

### آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین خودرو سواری - سواری اموی ام نیو ۳۱۵ مدل ۱۳۹۴ به رنگ نوک‌مدادی - متالیک به شماره موتور ۰۲9659MVM477FJUA029659 به شماره شاسی: ۰۷۲۶۳۱۰۷۲۶۳۱۰۷ به شماره پلاک د ۱۸ د ۹۴۵ ایران ۷۵ به نام راضیه امیر سعید مالکی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

• رودبار جنوب



وزارت آموزش‌وپرورش

اداره کل آموزش‌وپرورش استان کرمان

## مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

وزارت آموزش‌وپرورش

اداره کل آموزش‌وپرورش استان کرمان

**اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان در نظر دارد فراخوان خرید کاغذ A4 (۸۰ گرمی) به شماره ۲۹-۱۴۰۴ را از طریق تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.**

**کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.**

**مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ۲,۵۳۷,۳۲۵,۰۰۰ ریال**

**تاریخ دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ درج آگهی به مدت ۴ روز از طریق سامانه ستاد ایران**

**شناسه آگهی:۲۱۴۰۶۸۹**

اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان

روایتی متفاوت از زندگی «عبدالمجید ارفعی»

## «هخا» اخراج شد اما سر خم نکرد



اجعفر مهرکیان ا

باستان‌شناس ا

با عبدالمجید ارفعی زمانی آشنا شدم که در تحولات سال ۵۷ از کارکنار گذاشته شده بود. پیش ازآن، درباره او خوانده بودم. می‌دانستم منشور کوروش را از بابلی به فارسی ترجمه کرده است. شاکرد پروفیسور هلک در دانشگاه شیپاگو بود. البته دوره کارشناسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گذرانده بود. اهل بندرعباس بود و زاده دامنه کوه گنو. یک جنوبی بسیار مهربان با صدایی آرام که در برخی امور نظرات جالبی داشت و نگاهش شبیه نگاه کلاسیک و رایج دیگران نبود. هنگام احوالپرسی به شوخی می‌گفت: «ایزدان نگهدار تو.باد.» برای خود نام «هخا» را که نامی باستانی برگرفته از هخامنشی هاست، انتخاب کرده بود.

بسیار به ایران عشق می‌ورزید. افزون‌براین، در زمینه خوانش خطوط باستانی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، از معدود کسانی بود که می‌توانست خطوط ایلامی را بخواند. باین‌حال، دانسته‌هایش را تنها برای خود نگه نداشت و شاگردانی را نیز به‌طور خصوصی پرورش داد تا این مسیر ادامه پیدا کند. زندگی ارفعی فقط در کتابخانه و میان گل‌نوشته‌ها نگذشت. در دوره‌ای که در جریان تصفیه‌های اول انقلاب از کارکنار گذاشته شده بود، مدتی در پیتزافروشی کار می‌کرد و مدتی به تولید خوراک ماهی مشغول بود. سرنوشت عجیبی است؛ کسی که زبان ایلامی می‌خواند، ناچار می‌شود میان کارهای دیگر روزگار بگذراند. البته بعدها در زمان مدیریت «سیدمحمد بهشتی» مورد توجه قرار گرفت و امکاناتی در اختیارش گذاشته شد تا فعالیت‌هایش را از سر بگیرد. این مهندس بهشتی بود که دوباره با استقبال از او پای ارفعی را به سازمان میراث به‌ویژه در حوزه پژوهش و خوانش تبت‌ها و میخی‌نشسته‌های ایلامی قلعه شوش باز کرد.

ادامه یادداشت را در سایت «پیام ما» بخوانید.



ایتنا - ۱۳۰۲

**راه پر فرازونشیب ثبت آثار تاریخی ایران در فهرست جهانی یونسکو چگونه طی شد؟**

# شکوه بی‌مرز

### از تخت جمشید و چغازنبیل تا غارهای پیشاتاریخ خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

آبگیری سد، بخش بزرگی از منطقه «نوبه» زیرآب می‌رفت؛ نوبه منطقه‌ای باستانی در شمال‌شرق آفریقا و در امتداد رود نیل است که بخش‌هایی از جنوب مصر و شمال سودان را شامل می‌شود. با ساخت و آبگیری سد، بیش از صد هزار نفر مجبور به کوچ می‌شدند و ده‌ها معبد باستانی، از جمله مجموعه باشکوه «ایوسمبل»، در معرض نابودی قرار می‌گرفتند.

با پیشروی پروژه سد و در پی درخواست دوستداران میراث‌فرهنگی مصر و سودان «ویتورینو ورونزه»، مدیرکل وقت یونسکو، کمپین بین‌المللی نجات آثار نوبه را تشکیل و در مورد تهدید سد هشدار داد و اعلام کرد این تهدید «بحرانی برای تمام بشریت» است. اولین بار بود که یک نهاد بین‌المللی، حفاظت از یک اثر تاریخی را مسئله‌ای جهانی می‌نامدست. فراخوان یونسکو نتیجه داد، بیش از ۵۰ کشور در کمپین شرکت کردند. دولت‌ها بودجه و تجهیزات فرستادند، رسانه‌ها اطلاع‌رسانی کردند و حتی در مدارس برای نجات معابد، سکه جمع‌آوری شد. هزینه نهایی پروژه حدود ۸۰ میلیون دلار برآورد شد که نزدیک به نیمی از آن از سوی جامعه جهانی تأمین شد. ۲۲ اثر تاریخی باید جابه‌جا می‌شد، اما بزرگ‌ترین چالش، معبد عظیم ایوسمبل (Abu Simbel) بود؛ بنایی که سه هزار سال پیش با یک مختصات خاص هندسی و نجومی در دل کوه تراشیده شده بود.

طرح‌های مختلفی بررسی شد راه‌حل نهایی آسان نبود؛ معابد باید به بلوک‌هایی قابل حمل تقسیم و به ارتفاعی بالاتر منتقل و در دل کوهی مصنوعی با همان شمالیل صخره اصلی بازسازی می‌شدند. در سال ۱۹۶۳، عملیات آغاز شد و پنج سال بعد در فوریه ۱۹۶۸، عملیات نجات به پایان رسید و ایوسمبل حفظ شد.

کمپین نجات نوبه نشان داد میراث‌فرهنگی می‌تواند فراتر از مرزهای ملی معنا پیدا کند. اگر ۵۰ کشور برای جابه‌جایی یک معبد در مصر هزینه می‌کنند، یعنی مفهوم «میراث مشترک بشریت» در حال شکل‌گیری است. همین تجربه، یونسکو را به سمت تدوین چارچوبی حقوقی برای حفاظت بین‌المللی سوق داد. همین شد که در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲، کنوانسیون حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی جهان در پاریس تصویب شد؛ سندی که برای نخستین بار حفاظت از آثار دارای «ارزش جهانی برجسته» را به تعهدی رسمی و بین‌المللی تبدیل کرد.

#### فراز و فرودهای ثبت جهانی

۲۵ آبان ۱۳۶۱ (۱۲ نوامبر ۱۹۷۱) یونسکو کنوانسیون حفاظت از میراث جهانی در هفدهمین نشست خود در پاریس تصویب کرد. ایران سه سال بعد به این کنوانسیون پیوست و نقش پررنگی در اداره کمیته‌مشکل ذیل این کنوانسیون داشت و «فیروز باقرزاده» اولین رئیس کمیته میراث جهانی بود.

روایت ثبت آثار تاریخی ایران در فهرست میراث جهانی، تنها یک اقدام افتخارآمیز برای معرفی این آثار نیست؛ مسئولیتی است که از مدیران و باستان‌شناسانی که این اقدام را پایه‌گذاری و پیگیری کردند، خوب با آن آشنا بودند. فیروز باقرزاده در سال‌های پیش از انقلاب ریاست مرکز باستان‌شناسی ایران را برعهده داشت و پرونده‌های ثبت

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد

مجسمه شیران در پارک ملی یونسکو، خرم‌آباد









## گزارش

گزارش «پیام ما» از برگزاری جلسات گروه‌درمانی در تهران

# وقتی گروه، نجات‌دهنده است



زیست اجتماعی، حس تعلق به قبیله و حمایت از گروه، مفاهیم مشترکی در ناخودآگاه و حافظه جمعی بشر هستند. اگرچه توسعه زندگی شهرنشینی و افزایش سرعت آن در سایه اینترنت بیش از پیش فردیت را گسترش می‌دهد، اما کماکان نیاز به حضور در گروه یک نیاز غیرقابل انکار است. در شرایط بحرانی که بقا تهدید شده و موجودیت افراد در معرض خطر است، عضویت در گروه و شنیده شدن است که به آدمی اطمینان می‌بخشد. با توجه به وضعیت تعلیق و یأس فزاینده‌ای که به دنبال وقایع دی‌ماه در جامعه ایران وجود دارد، گروه‌های متعددی به‌صورت مستقل و عام‌المنفعه اقدام به برگزاری گروه‌درمانی حمایتی کرده‌اند. «رانه»، یکی از مراکز خصوصی در تهران است که با برگزاری جلسات گروه‌درمانی حمایتی در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی و همراهی با مردم دردمند عمل می‌کند.



زهره کرد / روزنامه نگار

آنان را به رسمیت بشناسند. بنابراین، گروه‌درمانی به‌عنوان روشی عملی برای مواجهه با تروماهای جمعی، کاهش احساس انزوا و بازسازی پیوندهای انسانی شکل گرفت. امروز در ایران گرفتار بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در یک برهه حساس کنونی دیگر به‌سر می‌بریم؛ با رنج‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم که فردی به نظر می‌رسند، اما ریشه‌های مشترک دارند. در چنین وضعیتی، تعدادی از گروه‌های درمانی و حمایتی با اتکا به مشارکت داوطلبانه و همکاری جمعی شکل گرفته‌اند. تلاشی خودجوش برای ساختن فضایی امن که امکان گفت‌وگو همدلی و بازسازی روانی را فراهم می‌کنند.

از بیستم بهمن‌ماه تا زمان تهیه این گزارش، مرکز «روان‌پزشکی و روان‌شناسی رانه» جلسات پردازش گروهی حمایتی را برگزار کرده

گروه‌درمانی زبیده بحران‌های تاریخی است. پس از جنگ جهانی دوم، جوامع با تعداد بی‌سابقه‌ای از انسان‌های آسیب‌دیده روبه‌رو شدند؛ سربازانی که با اضطراب، کابوس، فروپاشی روانی و ناتوانی در بازگشت به زندگی عادی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. امکانات محدود درمان فردی، پاسخگوی این میزان از گسترده‌گی رنج نبود؛ این وضعیت، درمانگران را به‌سوی شیوه‌ای سوق داد که بتوانند هم‌زمان به تعداد بیشتری از افراد کمک کنند و تجربه‌های مشترک

است. دوره‌ای کوتاه که با تسهیلگری «شیرین جلال‌الدینی» و «علیرضا زریباف»، روان‌پزشکان این مرکز، برگزار می‌شود.

در این جلسات که رایگان و عمومی هستند، شرکت‌کنندگان در مورد تجربیات و احساساتشان در مواجهه با بحران و پس از آن صحبت می‌کنند.

### اشتراک در اندوه و استیصال

«علیرضا زریباف» در گفت‌وگو با «پیام ما» به سه جایگاه مواجهه آدمی با بحران‌هایی چون جنگ می‌پردازد: «جایگاه اول درواقع همان اتفاق مهیب است. جایگاه دوم، جسم و واکنش‌های جسمانی نظیر انقباض عضلات و بروز اضطراب است و جایگاه سوم که سوژه اصلی گروه‌درمانی به‌حساب می‌آید، ذهن انسان است. درواقع، معمولاً ذهن یک قدم عقب می‌رود و واقعه را به‌شکل روایت می‌نگرد. حال در شرایطی که وسعت و شدت تروما بیش از توان آدمی است، این ناظر درونی در ذهن آدمی از بین می‌رود و مغز قابلیت پردازش تجربه را به‌صورت روایت از خودت می‌دهد. در این حالت فرد دچار بی‌حسی، سردی یا بی‌زدگی می‌شود.»

زریباف ناتوانی از بیان احساسات را از ویژگی فردحس شده در این مرحله می‌داند و گروه‌درمانی را راهی برای برپون رفتن از چنین وضعیتی تعریف می‌کند: «در گروه‌درمانی سه مکانیسم برای شرکت‌کننده رخ می‌دهد. فرد ابتدا با قرارگرفتن در این جمع می‌داند تنها نیست و دیگری در اندوه و استیصال با او اشتراک دارند. اتفاق دیگری که برای فرد در گروه می‌افتد، احیای ناظر بیرونی به‌واسطه حضور در جمع است. سایر شرکت‌کنندگان در مواجهه با روایت فرد که گریه می‌کند یا از احساسات قوی همچون خشم و غم سخن می‌گوید، همدلی می‌کنند و این اتفاق به‌صورت موقت جای ناظر درونی (که به‌دنبال تروما حذف شده است) را می‌گیرد.»

زریباف وجه اثربخش دیگر گروه‌درمانی را توانایی شهادت‌دادن افراد می‌داند: «در شرایطی که التهاب و تنش در جامعه زیاد است، سوگیری‌های مضاعفی را در فضای مجازی شاهدیم. چنین وضعیتی منجر به تشدید انزولاسیون اجتماعی و قضاوت‌های بین‌فردی می‌شود. اما در گروه‌درمانی به‌دلیل حضور حقیقی افراد و ارتباط و شناختی که در جریان گروه شکل می‌گیرد، گفت‌وگو جریان می‌یابد و سوگیری‌های کمتری را می‌بینیم. پس، شناخت بیشتر و تعامل سازنده‌ای جریان می‌یابد و منجر به بروز کارکرد اجتماعی گروه‌درمان می‌شود.»

### انزولاسیون اجتماعی مانعی در جهت تاب‌آوری

زریباف با تاکید بر اینکه انزولاسیون اجتماعی در شرایط بحران‌های جمعی شرایط روحی فرد را بدتر می‌کند، به نتایج بدمنند حضور در گروه می‌پردازد: «در تحقیقات نوروساینس درآفته‌اند وقتی چند نفر در کنار یکدیگر بنشینند، ولو بدون صحبت کردن، بدن‌هایشان با

هم ارتباط می‌گیرد. در جلسات گروه‌درمانی شاهد برقراری چنین ارتباط بدمنندی بین شرکت‌کنندگان هستیم.» فضای دوقطبی و ملتپ جامعه امروز ایران، بررسی وجوه مختلف تروما برافراد را سخت می‌کند. به‌گفته زریباف، در برخی مواقع تروما می‌تواند کارکرد توسعه‌ای داشته باشد و منجر به پیدایش دیدگاه‌های جدید و کارآمدی در فرد نسبت به خودش و زندگی شود.»

### گروه‌درمانی در ایران شناخته‌شده نیست

«شیرین جلال‌الدینی» روان‌پزشک و تسهیلگر داوطلب جلسات پردازش گروهی است. جلال‌الدینی در گفت‌وگو با «پیام ما» مشارکت در گروه‌درمانی را در وهله نخست پاسخ به یک نیاز درونی برای خودش بیان می‌کند: «جامعه عزادار جان‌های از دست‌رفته و خسته از سایه جنگ و تعلیق است. در این شرایط می‌خواستیم در حد توان و تخصصم برای مردم کاری بکنم.» این درمانگر با اشاره به تجربه خود از گذراندن یک دوره دوساله گروه‌درمانی تحلیلی در استکهلم و نتایج مثبتی که از آن به دست آورده، معتقد است: «گروه‌درمانی در شرایط فعلی می‌تواند پاسخ مناسبی برای نیازهای روانی مردم باشد، اما این شیوه در ایران شناخته‌شده نیست و افراد عمدتاً تمایلی به بازگو کردن درد و سوگ‌های خود در جمع ندارند.»

جلال‌الدینی نخستین تجربه شخصی خود از شرکت در گروه‌درمانی را چنین بیان می‌کند: «برای حضور و گذراندن این دوره باید در گروه‌درمانی شرکت می‌کردم. اینکه در جمعی امن حضور داشته باشی و بدون ترس از قضاوت و سوگیری دیگران خوداظهاری بکنی، تجربه سخت اما جالبی بود.» این روان‌پزشک تعلق در گروه را یکی از کارکردهای مثبت گروه‌درمانی می‌داند: «پس از اتفاقات دی‌ماه شاهد انزولاسیون اجتماعی در میان جامعه هستیم. گویی دردی مشترک بر شانه‌های تک‌تک مردم سنگینی می‌کند. از طرف دیگر بی‌اعتمادی و دوقطبی ایجادشده مانع از ایجاد گفتمان در جامعه شده است. بنابراین، حضور در گروه می‌تواند برای طیفی از جامعه اثربخش باشد.»

در زمان تهیه این گزارش سومین جلسه از پردازش گروهی با تعداد کمتری از متقاضیان برگزار شد. شرکت‌کنندگان تجربیات و حس‌های زیسته را بدون ترس از قضاوت بیان کردند و تسهیلگران شاهد ایجاد جریان گفت‌وگو بودند. به‌گواه جلال‌الدینی، کاهش تعداد افراد در جلسات پایانی موضوع قابل‌انتظار است: «عمدتاً مقاومت افراد در برابر حضور در گروه زیاد است؛ این مقاومت مداوم حضور افراد در گروه را سخت می‌کند. همچنین مادامی‌که افراد برای دریافت خدمتی هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند، انرژی و ارزش کمتری هم برای آن‌ها قابل می‌شوند. علاوه‌براین، نباید فراموش کنیم روند سازگاری آدمی با زمان رابطه مستقیم دارد و طبیعی است افراد در هفته‌های نخست پس از بحران به‌کمک بیشتری نیاز داشته باشند و به‌مرور این نیاز کمتر شود.»

## جهان

هنرمندی در استرالیا دسترس پذیری اماکن فرهنگی این کشور برای افراد دارای معلولیت را به چالش کشید

# فریاد برای دیده شدن

از هر پنج استرالیایی، یک نفر با نوعی معلولیت زندگی می‌کند. این یعنی جمعیتی بزرگ که با موانع فیزیکی حسی یا ارتباطی در فضاهای فرهنگی روبه‌رو هستند

ایپام Ma سه‌شنبه‌شب شنبی گرم در شهر «پرت» استرالیا است. ساعت کمی از ۸ گذشته و جمعی حدود بیست‌نفره روبه‌روی ساختمانی ایستاده‌اند و فریاد می‌زنند: «توضیح صوتی تون کجاست؟» و بعد می‌گویند: «فونت خیلی کوچیکه!» - حال هوای جمع، ترکیبی از خشم و شادی است؛ نوعی سرخوشی آرام که از فریادزدن برای حقی بدیهی می‌آید. این یک تجمع معمولی نیست، بلکه بخشی از اجرای هنری (Let Me Out, In) است؛ اثری از «هوکو فلاول»، هنرمند ۴۶ساله‌ای که از ویلچر استفاده می‌کند و تنها در چشم چشم بینایی دارد. دسترسی‌پذیری، فلاول می‌گوید در کاری هنری، اندازه و ارتفاع نوشته‌های دیواری به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند آنها را بخواند. حتی زمانی که متن‌هایی با فونت درشت در اختیارش گذاشته‌اند، نگه داشتن و ورق‌زدنشان برایش دشوار بوده است.

ویلچر پروتکتوری چرخ‌دار حرکت می‌کرد که جملات اعتراضی را روی نمای ساختمان‌ها می‌اندازد. در طول دو ساعت، گروه از کنار چهار مرکز فرهنگی مهم گذشتند. گالری هنری استرالیای غربی، دو مرکز تئاتر و یک موزه. در هر ایستگاه، موسیقی الکترونیکی ساخته خود فلاول فضا را پر و او با میکروفون شعرها را هدایت می‌کرد. همکاری چند هنرمند دیگر نیز این اجرا را به تجربه‌ای جمعی و پراکنج تبدیل کرده بود.

اما پشت این فضای پرنور و پرصدا مسئله‌ای جدی قرار داشت؛ دسترسی‌پذیری. فلاول می‌گوید در کاری هنری، اندازه و ارتفاع نوشته‌های دیواری به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند آنها را بخواند. حتی زمانی که متن‌هایی با فونت درشت در اختیارش گذاشته‌اند، نگه داشتن و ورق‌زدنشان برایش دشوار بوده است.



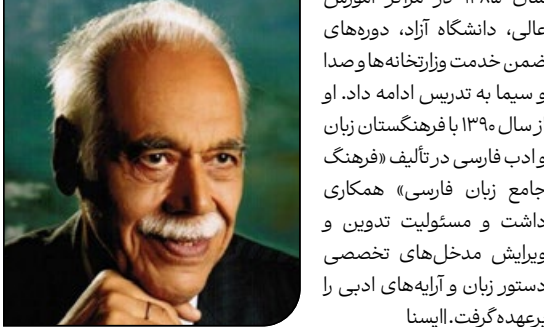
دیدن خود آثار نیز چالش برانگیز است و نبود توضیح صوتی، تجربه او را ناقص می‌کند. وقتی می‌پرسند اگر بتوانند نوشته‌ها را بخوانند، بیشتر به‌گاری می‌آید؟ پاسخ می‌دهد: «بله.» در مرکز تئاتر ایالتی شرایط بهتر است. او از صدلی‌ها و دسترسی آسان‌تر این مجموعه تعریف می‌کند. با این حال، تجربه‌اش در سال ۲۰۱۹ - زمانی که سرویس بهداشتی ویژه هنرمندان دارای معلولیت پراز وسایل نظافت بود- نشان می‌دهد حتی فضاهای جدیدتر نیز بی‌نقص نیستند. کارکنان مشکل را همان زمان برطرف کردند، اما فلاول در اجرای تازش با لحنی ملایم یادآوری می‌کند: «عالی بودید، اما هنوز جای برای پیشرفت هست.» در مقابل، مرکز تئاتری تاریخی نمونه‌ای از چالش‌های معماری قدیمی است. فلاول جمله «از ریف‌های

مخصوص دسترسی نمی‌توانم نمایش را ببینم» را روی نمای آن می‌اندازد. ورود و خروج دشوار و دید محدود از ریف‌های ویژه، تجربه تئاتر رفتن را برای او پیچیده کرده است. به‌گزارش «گاردین»، مسئله فقط یک نفر نیست. از هر پنج استرالیایی، یک نفر با نوعی معلولیت زندگی می‌کند. این یعنی جمعیتی بزرگ که با موانع فیزیکی، حسی یا ارتباطی در فضاهای فرهنگی روبه‌رو هستند؛ ارتفاع نامناسب و پتیرین‌ها، جایگاه نامطلوب صدلی‌های ویلچری، نبود راهنمای صوتی یا امکانات ویژه برای افراد دارای مشکلات بینایی، شنوایی یا حسی و حتی دسترسی ناکافی به سرویس‌های بهداشتی.

## چهاره

مردی که به واژه‌ها نظم داد

«غلامرضا ارژنگ»، پژوهشگر و از چهره‌های اثرگذار آموزش زبان و ادبیات فارسی، در ۸۹سالگی درگذشت. ارژنگ دوم آذر ۱۳۱۵ در قم متولد شد و از سال ۱۳۳۲ فعالیت خود را در کسوت آموزگاری در این شهر آغاز کرد. او در سال ۱۳۴۲ به آموزش و پرورش تهران منتقل شد و تا سال ۱۳۵۰ در دبیرستان‌های پهلوی، امیرکبیر و مروی به تدریس پرداخت. سپس تا سال ۱۳۵۹ به‌عنوان کارشناس در مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی و سازمان کتاب‌های درسی فعالیت کرد. در این دوره با همکاری جمعی از متخصصان، کتاب‌های درسی «دستور زبان فارسی» و «آیین نگارش» دوره‌های راهنمایی و دبیرستان را براساس شیوه‌های نوین آموزشی تألیف کرد. از اقدامات مهم او، اعمال تغییر در رسم‌الخط فارسی و جدانویسی برخی کلمات مرکب در کتاب‌های درسی از سال ۱۳۵۲ بود. ارژنگ پس از بازنشستگی نیز تا سال ۱۳۸۵ در مراکز آموزش عالی، دانشگاه آزاد، دوره‌های ضمن خدمت و ژورنال‌ها و مجله‌ها و در سیما به تدریس ادامه داد. او از سال ۱۳۹۰ با فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تألیف «فرهنگ جامع زبان فارسی» همکاری داشت و مسئولیت تدوین و ویرایش مدخل‌های تخصصی دستور زبان و آرایه‌های ادبی را برعهده گرفت. ایسنا



## حاشیه

شهاب حسینی:

# خدایا مرا از این وادی به در آرا

«شهاب حسینی» به حواشی پیش‌آمده پس از صحبت در مراسم یادبود «جواد گنجی» و برداشته‌هایی که از آن صورت گرفته با انتشار مطلبی واکنش نشان داد. چند روز قبل، مراسم یادبودی در خانه سینما برای جواد گنجی، یکی از سینماگرانی که در حوادث اخیر جان خود را از دست داد، برگزار شد. در آن مراسم که با حضور خانواده گنجی همراه بود، شهاب حسینی، بهرام افشاری، مجید برزگر، احسان عبدی‌پور و همایون اسعدیان از جمله کسانی بودند که سخنانی را بیان کردند. اما اظهارات شهاب حسینی در روزهای گذشته با بخش تصاویری از صحبت‌های خانواده مرحوم گنجی همراه شد نشان از ناراضیاتی آنها از صحبت‌ها داشت. این درحالی است که خانواده گنجی ویدیوتی صحبت‌های این بازیگر را در صفحه اینستاگرام جواد گنجی منتشر کرده بودند و بعد از آن هم با انتشار متنی، از پخش تصاویر قطع‌شده و بی‌ارتباط با صحبت‌های شهاب حسینی خبر دادند. با این حال با توجه به آنچه پیش‌آمده، شهاب حسینی متنی را در صفحه شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرده که



## دیدگاه

# جامعه تنهایی



فاطمه باباخانی / روزنامه نگار

گفت ۲۰ سال با هم دوست بودیم؛ ۲۰ سال یک روز و دو روز نیست، یک سال و دو سال هم نیست. دو دهه از عمر آن می‌گذشت، اما این روزها این دوستی دچار خلل شده، دلپش هم به اختلافات دیدگاه درباره آینده مطلوبیمان از این برمی‌گردد. او از این جهت تجربه‌اش را برایم تعریف کرد که در گروه نوشته بودم نظراتان را بگویید. گفت توان نظر دادن را از دست داده؛ می‌ترسد چیزی بگوید و یکی دیگر رنجیده شود و دوست دیگری را از دست بدهد.

دوست من که اینها را برایم می‌گفت، تنها نیست. دوست دیگرم چند شب قبل خانه‌مان آمد و گفت با جمعی از دوستانش رابطه‌شان را قطع کرده‌اند، چون گرایش فکری متفاوتی دارند. یکی دیگر هم در این باره گفت؛ اینکه در گروه مدام بابت عقایدش توهین می‌شوند.

این روزها به نظر می‌رسد همه ما دیگر چنین وضعیتی هستیم؛ برخی دوستی‌ها به‌واسطه بحث‌هایی که داشتیم، کم‌رنگ‌تر شده و برخی دیگر از بین رفته است. ذره‌ذره این دوستی‌ها را ساخته بودیم و به بیکار آن را از دست داده و تنها‌تر شدیم. برای حفظ دوستی‌ها برخی از ما تصمیم گرفته‌ایم سکوت کنیم. می‌دانیم نظر دوستان چیست، دوستان هم از دیدگاه ما ناخبر است، اما وقتی او نظر می‌دهد ما یا سکوت می‌کنیم یا مخالفتی نرم انجام می‌دهیم. زمانی دیگر دوستان این نقش را به‌عهده می‌گیرند. گاهی هم تصمیم می‌گیریم به‌جای حرف‌زدن درباره مواردی که مورد اختلاف است، سرلغ بحث‌هایی برویم که درباره‌شان اشتراک نظر داریم. این رویه گریه باعث می‌شود دوستی‌ها با برجا بمانند، اما باز هم در این زمانه سخت، باعث می‌شود احساس تنهایی داشته باشیم و امکان گفت‌وگوی دوستانه درباره دغدغه‌هایمان را از دست بدهیم. در این شرایط چه می‌شود کرد؟ من لاقل راهی سراغ ندارم. بین این‌همه گفت‌وگوهایی هم که این روزها منتشر می‌شود، در این باره چیزی ندیده‌ام؛ اینکه فراتر از اینکه آینده ایران چه خواهد بود، در این باره بگویید که وضعیت ایرانی‌ها، روابط دوستانه، خانوادگی و... چه می‌شود. اینکه چطور در برابر هم روداری به خرج دهیم، چطور از دوستی‌ها و خانواده‌هایمان حفاظت کنیم، چطور بتوانیم هم را ببینیم. در غیاب و بی‌توجهی به آنچه در زیر پوست جامعه ایرانیان داخل کشور و خارج از آن در جریان است، چه دوستی‌ها که از دست می‌روند، چه روابطی که از هم می‌پاشند، چه دلخوری‌هایی که شکل می‌گیرند و در نهایت ما چه تنهایی خواهیم بود، بی‌همراه در گذر از این روزهای صعب.

## یاد

درباره «منصور قندریز» که شصتمین سال درگذشت او سپری شد

# ماندگار در حافظه تاریخ هنر ایران



مژده عالی‌پورا / طراح گرافیک

«منصور قندریز» (۱۳۱۴-۱۳۴۴) هنرمند نوگرای ایرانی و از چهره‌های اثرگذار تاریخ هنر معاصر ایران است. در تبریز متولد شد، در تهران تحصیل کرد و در زمانی کار خود را آغاز کرد که مسئله هویت به یکی از دغدغه‌های اصلی هنرمندان آن دوره بدل شده بود. جامعه و حکومت وقت، با شتاب به‌سوی مدرنیزاسیون حرکت می‌کردند و هنر نیز ناگزیر با مدرنیسم غربی مواجه شده بود. قندریز با عبور از تجربه‌های فیکرتاتیو (دوره تبریز) و حرکت به‌سوی نقاشی‌های آستره، چاپ‌های دستی و بازقرینی عناصر سنتی ایران در قالب مدرن سهم قابل‌توجهی در نقاشی نوگرای ایران داشت. او از هنرمندانی بود که در شکل‌گیری جریان موسوم به مکتب سقاخانه نقشی مؤثر داشت؛ جریانی که می‌کوشید عناصر فرهنگ بصری ایرانی از نشانه‌های آیینی و مردمی تا ساختارهای هندسی و اسطوره‌ای را در زبان هنر مدرن بازخوانی کند. اهمیت قندریز در این بود که این رجوع به سنت را به بازسازی صرف یا نوستالژی تقلیل نداد. در آثارش، فیکورهای ساده‌شده، ساختارهای هندسی و مؤتیف‌های الهام‌گرفته از نقوش کهن در نظم منسجم و شخصی کنار هم قرار می‌گیرند. سنت برای او منبع الهام بود، مدرنیسم ابزار بیان و او در میان این دو، به‌دنبال بروز بیان شخصی خویش بود.

ادامه یاد را در سایت «پیام ما» بخوانید.